



خداوند حج را مقرر فرمود تا مردم در برابر عظمت او فروتنی نشان دهند

آگاهی از اسرار حج می‌تواند معرفت عمیق‌تری را نسبت جایگاه کعبه و مجموعه اعمال حج برای زائر فراهم کند و زائر با معرفت به اسرار حج پی خواهد برد که حج با تمامی آفرینش ارتباط دارد.

آگاهی از اسرار حج می‌تواند معرفت عمیق‌تری را نسبت جایگاه کعبه و مجموعه اعمال حج برای زائر فراهم کند و زائر با معرفت به اسرار حج پی خواهد برد که حج با تمامی آفرینش ارتباط دارد.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: این روزها اگر اخبار را دنبال کرده باشید، با خبر هستید که هم اکنون صدها هزار نفر دل عاشق خدا، در مدینه منوره و مکه معظمه، مشغول انجام زیارت و اعمال مربوط به حج هستند. آگاهی از اسرار حج هرچند به صورت اجمالی می‌تواند معرفت عمیق‌تری را نسبت جایگاه کعبه و مجموعه اعمال حج برای زائر فراهم کند و زائر با معرفت به اسرار حج پی خواهد برد که حج با تمامی آفرینش و خلقت انسان ارتباط دارد و اگر زبان معصومین و بیان آنها در کشف اسرار باز نشده بود فهمیدن بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های حج مجهول می‌ماند.

حج سیراب کننده تشنگان حقیقت

حضرت امیر المومنین (علیه السلام) در مورد اعمال حج و جایگاه رفیع آن در میان عبادات در خطبه اول نهج البلاغه چنین می‌فرماید:

وَ قَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنْبِيَاءِ يَرْدُونَ وَ زُودَ الْأَنْعَامَ وَ يَأْتِلُهُونَ إِلَيْهِ وَ لَوْهَ الْحَمَامِ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلْمًا لِيَتَوَاضِعَهُمْ لِعَظَمَتِهِ وَ ادْعَاهُمْ لِعِزَّتِهِ، وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا إِعْجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَ صَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ آئِنِّيَانِهِ، وَ تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ عِبَادَتِهِ. وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا، قَرَضَ حِجَّةً وَ أَوْحَبَ حَقَّةً وَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: "وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ"

«خداوند، حج خانه خود را بر شما واجب گردانید و خانه خود را قبله گاه مردم ساخت. مردم با شوق تمام، انسان که ستوران به آبشخور روی نهند و کبوتران به آشیانه پناه برند، بدان درآیند. خدای سبحان حج را مقرر فرمود تا مردم در برابر عظمت او فروتنی نشان دهند و به عزت و جبروت او اعتراف کنند. و از میان بندگان خود کسانی را برگزید تا صلاهی دعوت او شنیدند و اجابت کردند و سخن حق تصدیق نمودند و در آنجا پای نهادند که پیامبرانش نهاده بودند و به آن فرشتگان همانند شدند که گرد عرشش طواف می‌کنند و در این سودا که سرمایه شان عبادت اوست، سود فراوان حاصل کردند و تا به میعاد آموزش او دست یابند بر یکدیگر پیشی جستند. خداوند، سبحانه و تعالی، حج را نشانه و علامت اسلام قرار داد و کعبه را پناهگاه پناهندگان و حج را فریضتی واجب ساخت و حقش را واجب گردانید و حج را بر شما مقرر فرمود و گفت: برای خدا حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن داشته باشند، واجب است و هر که راه کفر پیش گیرد بداند که خدا از جهانیان بی نیاز است»

ساده ترین و زیباترین تعبیری که می‌توان از فرمایشات حضرت امیرالمومنین (ع) در مورد حاجی برداشت کرد؛ انسان تشنه است؛ یعنی کسانی که تشنه اند به سوی این سرزمین می‌روند. این تشنگی، تشنگی طبیعی یا تشنگی عادی نیست؛ بلکه تشنگی روح و عطش وجودی انسان است. زیرا به تعبیر خود حضرت امیر المومنین (علیه السلام)، این سرزمین آنقدر آب ندارد که بتواند حتی یک پرنده تشنه را سیر کند چه برسد به اینکه بتواند خیل عظیم انسانهایی که بسمت این سرزمین می‌آیند را سیراب نماید. بنابراین مراد از عطش، عطش روحی انسانهایی است که مانند کبوتران تشنه به این سرزمین رهسپار می‌شوند و در آنجا آب گوارایی را پیدا میکنند که در سرزمین‌های دیگر نمیتوانند آن را بیابند. تشبیه به کبوتران تشنه به این خاطر است که پرنده‌های دیگر به اندازه منقارشان آب بر میدارند و با خوردن آن آب سیراب میشوند. اما کبوتر وقتی به سمت آب میرود حلقوم خودش را در آب باز میکند و با حلقوم خودش آب را می‌مکد تا سیراب شود. حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) نیز به این خاطر این تشبیه را برای مومنانی که بسمت این سرزمین می‌آیند به کار می‌برد.

حج محل رویش فطرت انسانی

حضرت امیرالمومنین (ع) در مورد علت دعوت خداوند از مردم به این سرزمین بی آب و علفی مانند مکه برای مهمانی خود فرمایشات زیبایی ایراد فرموده اند که در ضمن خطبه قاصعه به این موضوع اشاره فرموده اند. ایشان می‌فرمایند: «آیا نمی‌بینید

که خداوند سبحان پیشینیان را از زمان آدم (علیه السلام) تا کسانی که پس از آنها آمده اند از این عالم بیازمود، به سنگهایی که نه سود می رسانیدند و نه زیان ، نه می دیدند و نه می شنیدند، و آن سنگها را بیت الحرام خود قرار داد و آن را برای مردم برپا ساخت در سخت ترین سنگلاخهای زمین در ریگزار که در آنجا از هر جای دیگر کمتر گیاه می روید. در درّه ای از دیگر درّه ها تنگتر، بین کوههای سخت و ریگهای نرم ، انسان ، که گذر کردن از آنها دشوار باشد و چشمه های کم آب و دهکده های دور از یکدیگر که در آنجا نه اشتیاق فربه می شود و نه اسب و گاو و گوسفندی . آدم (علیه السلام) و فرزندان او را فرمان داد که به آن خانه روی نهند و آنجا بازارگاهی شد برای کسانی که در سفرها در پی سودند و بارگاهی برای افکندن بارها.

مردم ، شتابان روی به بیت الحرام آوردند. از بیابانهای بی آب و گیاه و از عمق درّه های ژرف و جزیره های پراکنده و دریاها. تا از روی خواری شانه های خود را بجنبانند و گرد آن بگردند و آواز به تهلل بردارند. موی پریشان و خاک آلود، نه دوان و نه آهسته گام بردارند جامه ها از تن به در کنند و با رها کردن موی ، چهره نیکوی خود را زشت نمایند. این است آزمایش بزرگ و امتحانی سخت و آزمونی آشکار. خداوند آن را سبب رحمت خود ساخت و وسیله رسیدن به بهشت خویش .

اگر خدای می خواست بیت الحرام خود را و پرستشگاههای بزرگش را در میان باغها و نهرا قرار می داد و در جایی که زمین نرم و هموار باشد، در مکانی پر درخت و درختان سرشار از میوه . در میان خانه ها و عمارات بسیار و روستاهای به هم پیوسته .

در میان گندمزارهای قهوه ای رنگ و اراضی پر باران و باغستانهای خرم و راههای آباد. در این حال ، پاداش اندک بود، زیرا رنج سفر اندک بود. اگر بنیانی که کعبه بر روی آن ساخته شده و سنگهایی که دیوارهایش را برآورده ، زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنی بود، از دو دلیله و تردیدهایی که در سینه ها جاری کرده می کاست و سعی و کوشش شیطان را از دلها دور می ساخت و اضطراب و نگرانی را از قلب مردم می زدود. ولی خداوند بندگانش را به گونه گونه سختی می آزماید و به انواع مجاهدتها به بندگی وامی دارد. و به کارهای ناخوش آیند امتحان می کند تا تکبر و خودپسندی را از دلهایشان بیرون کند و خواری و فروتنی را جانشین آن سازد.»

حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) دو چیز را علت اساسی این دعوت می دانند: یکی امتحان الهی و دیگری دعوت از قلبهایی که آماده ثمردادن و میوه دهی معنوی هستند. در طبیعت این سرزمین درختانی با میوه های گوارا وجود ندارند اما درخت فطرت انسان ها و قلب آنها میتواند شکوفا شده و به ثمر بنشیند، به شرط آنکه - به تعبیر حضرت امیر - انسان خودپسند و متکبر نباشد و در مقابل خدای تعالی خضوع کند و از خدای تعالی فضل و رحمت را طلب کند. در چنین صورتی، خدای تعالی به قلب انسان میوه خواهد داد و وجود انسان را شکوفا خواهد کرد. هر چند طبیعت در آن سرزمین، عقیم است اما فطرت ها در آن سرزمین بارور میشوند. این علت دعوت انسان به این سرزمین خشک و بی آب و علف است. با این عمل، خدای تعالی به انسان ها نشان میدهد که اگر در خشک ترین منطقه از زمین هم باشند و قصد روییدن داشته باشند خدای تعالی آنها را می رویاند.

پی نوشت:

خطبه ۲۳۴: خطبه قاصعه